



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

تصوف يا  
عرفان التقاطی  
مصاحبه صوفیان  
با امام صادق عليه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تصوف یا عرفان التقاطی : مصاحبه صوفیان با امام صادق علیه السلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

نشریه درسهایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فہرست

۵	فہرست
۶	تصوف یا عرفان التقاطی : مصاحبہ صوفیان با امام صادق (ع)
۶	مشخصات کتاب
۶	مصاحبہ صوفیان با امام صادق (ع)
۱۷	پاورقی
۱۸	دربارہ مرکز

نویسنده : جمعی از نویسندگان

ناشر : درس هایی از مکتب اسلام، شماره ۳۵۶، آذر ۶۹

### مصاحبه صوفیان با امام صادق (ع)

سفیان ثوری بر امام صادق (ع) وارد شد، امام را دید جامه ای سپید و بسیار لطیف پوشیده است. به عنوان اعتراض گفت این جامه سزاوار تو نیست تو نمی بایست خود را به زیورهای دنیا آلوده سازی. امام صادق (ع) به او فرمود: «اسمع منی وع ما اقول لك فانه خير لك عاجلاً- و آجلاً- ان انت مت على السنه و الحق و لم تمت على بدعه» خوب گوش کن که از برای دنیا و آخرت تو مفید است، اگر راستی اشتباه کرده ای و حقیقت نظر دین اسلام را درباره این موضوع نمی دانی، سخن من برای تو بسیار سودمند خواهد بود. و اما اگر منظورت این است که در اسلام بدعتی ایجاد کنی، و حقایق را منحرف و وارونه سازی مطلب دیگری است و این سخنان به تو سودی نخواهد داشت. ممکن است تو وضع ساده و فقیرانه رسول خدا و صحابه آن حضرت را در زمان خودش در نظر خود مجسم سازی و فکر کنی که آن یک نوع تکلیف و وظیفه ای برای همه مسلمانان تا روز قیامت هست. اما من به تو می گویم که رسول خدا در زمانی و محیطی بود که فقر و سختی و تنگدستی بر آن مستولی بود عموم مردم از داشتن لوازم اولیه زندگی محروم بودند. وضع خاص زندگی رسول اکرم و اصحاب آن حضرت مربوط به وضع عمومی آن روزگار بود. اما اگر در عصری وسائل زندگی فراهم شد سزاوارترین مردم برای بهره بردن از آن نعمتها نیکان و صالحانند،

نه فاصقان و بدکاران. مسلمانند، نه کافران ای سفیان تو چه چیز را بر من عیب شمردی؟ به خدا قسم من در عین اینکه می بینی که از نعمتهای الهی استفاده می کنم، از زمانی که به حد بلوغ رسیده ام شب و روز بر من نمی گذرد مگر آنکه مراقب هستم که اگر حقی در عالم پیدا شود فوراً آن را به موردش برسانم. سفیان نتوانست پاسخ منطق امام (ع) را بدهد ناچار محضر امام را ترک گفت و به یاران و هم مسلکان خود پیوست و ماجرا را به آنها گفت، آنها تصمیم گرفتند که دسته جمعی با امام مباحثه کنند، گروهی به اتفاق آمدند و گفتند رفیق ما نتوانست خوب دلائل خودش را ذکر کند، اکنون ما آمده ایم با دلائل روشن خود تو را محکوم سازیم. امام فرمود: دلیلهای شما چیست؟ بیان کنید گفتند: دلیلهای ما از قرآن است امام: چه دلیلی بهتر از قرآن؟ بیان کنید که آماده شنیدنم. گفتند: ما دو آیه از قرآن را دلیل بر مدعای خودمان و درستی مسلکی که اتخاذ کرده ایم، می آوریم، و همین ما را کافی است. خداوند در قرآن یک جا گروهی از صحابه را این طور ستایش می کند: «یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون» [۱] (در عین اینکه خودشان در تنگدستی و زحمت هستند دیگران را بر خویش مقدم می دارند، کسانی که از صفت بخل محفوظ بمانند آنها رستگارانند) و در جای دیگر می فرماید: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً» [۲]. آنها

در عین اینکه به غذا احتیاج و علاقه دارند آن را به فقیر و یتیم و اسیر می خوراندند. همین که سخنان آنها به اینجا رسید، یک نفر که در حاشیه ی مجلس نشسته بود و به سخنان آنها گوش می داد گفت آنچه تاکنون فهمیده ام این است که شما خودتان هم به سخنان خود عقیده ندارید، شما این حرفها را وسیله قرار داده اید که مردم را به مال خودشان بی علاقه کنید، تا به شما بدهند، و شما عوض آنها بهره مند شوید، و لهذا عملاً دیده نشده که شما از غذاهای خوب احتراز و پرهیز داشته باشید؟ امام فرمود: فعلاً این حرفها را رها کنید، اینها فائده ندارد. بعد رو به جمعیت کرد و فرمود: اول بگوئید آیا شما که به قرآن استدلال می کنید محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن را تمیز می دهید یا تمیز نمی دهید؟ هرکس از این امت که گمراه شده از همین راه گمراه شد، که بدون اینکه اطلاع صحیحی از قرآن داشته باشد، به آن تمسک کرد. گفتند: البته فی الجمله اطلاعاتی در این زمینه داریم ولی کاملاً نه. امام: بدبختی شما هم همین است. احادیث پیغمبر هم مثل آیات قرآن است اطلاع و شناسائی کامل لازم دارد. اما آیاتی که از قرآن خواندید، این آیات دلالت بر حرمت استفاده از نعمتهای الهی ندارد. این آیات مربوط به گذشت و بخشش و ایثار است. قومی را ستایش می کند که در وقت معینی دیگران را بر خودشان مقدم داشتند، و مالی را که بر خودشان حلال بود، به دیگران دادند، و اگر



هم نمی دادند، گناهی و خلافی مرتکب نشده بودند، خداوند به آنها امر نکرده بود که باید چنین کنند، و البته در آن وقت نهی هم نکرده بود که نکنند. پس این آیات که با مدعای شما تطبیق نمی کند، زیرا شما مردم را منع می کنید و ملامت می نمائید بر اینکه از مال خودشان و نعمتهائی که خداوند به آنها ارزانی داشته استفاده کنند. آن ها آن روز آن طور بذل و بخشش کردند ولی بعد در این زمینه دستور جامعی از طرف خداوند رسید، حدود اینکار را معین کرد و البته این دستور که بعد رسید ناسخ عمل آن هاست، ما باید تابع این دستور باشیم نه تابع آن عمل. خداوند برای اصطلاح حال مومنین و بواسطه رحمت خاص خویش نهی کرد که شخص، خود و عائله خود را در مضیقه بگذارد و آنچه در کف دارد به دیگران ببخشد زیرا در میان عائله شخص، ضعیفان و خردسالان و پیران فرتوت پیدا می شوند که طاقت عمل ندارند، اگر بنا شود که من گرده نانی که در اختیار دارم انفاق کنم عائله من که عهده دار آنها می باشم تلف خواهند شد. و لهذا رسول اکرم (ص) فرمود: «کسی که چند دانه خرما یا چند قرص نان و یا چند دینار دارد و قصد انفاق آنها را دارد، در درجه اول بر پدر و مادر خود باید انفاق کند، و در درجه دوم خودش وزن و فرزندش و در درجه سوم خویشاوندان و برادران مومنش، و در درجه چهارم خیرات و مبرات» این چهارمی بعد از همه آن ها است. رسول خدا

وقتی که شنید که مردی از انصار مرده و کودکان صغیری از او باقی مانده و او دارائی مختصر خود را در راه خدا داده فرمود «اگر قبلاً به من اطلاع داده بودید نمی گذاشتم او را در قبرستان مسلمین دفع کنند، او کودکانی باقی می گذارد که دستشان پیش مردم دراز باشد» پدرم امام باقر (ع) برای من نقل کرد که رسول خدا فرموده است که همیشه در انفاقات خود از عائله خود شروع کنید، به ترتیب نزدیک، که هر که نزدیکتر است مقدم تر است. علاوه بر همه اینها در نص قرآن کریم از روش شما نهی شده است آنجا که می فرماید: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما» [۳]. متقین کسانی هستند که در مقام انفاق و بخشش نه تندروی می کنند و نه کند روی، راه اعتدال را پیش می گیرند. در آیات زیادی از قرآن نهی می کند از اسراف و تندروی در بذل و بخشش همانطوریکه از بخل و خست نهی می کند، قرآن برای این کار حد وسط و میانه روی را تعیین کرده است، نه این که انسان هرچه دارد به دیگران ببخشد و خودش تهی دست بماند و آنگاه دست به دعا بردارد که خدایا به من روزی بده، خداوند این چنین دعائی را هرگز مستجاب نمی کند زیرا پیغمبر اکرم فرمود خداوند دعای چند دسته را مستجاب نمی کند: الف \_ کسی که از خداوند بدی برای پدر و مادر خود بخواهد. ب \_ کسی که مالش را به قرض داده و از طرف، شاهد و گواه

و سندی نگرفته و او مالش را خورده و حالا دست به دعا برداشته و از خداوند چاره می خواهد. البته دعای این آدم مستجاب نمی شود زیرا او به دست خودش راه چاره را از بین برده و مال خویش را بدون سند و گواه به او داده است. ج \_ کسی که از خداوند دفع شر زن خود را بخواهد زیرا چاره این کار در دست خود شخص است او می تواند اگر واقعاً از دست این زن ناراحت است عقد ازدواج را با طلاق فسخ کند. د \_ کسی که در خانه خود نشسته و دست روی دست گذاشته و از خداوند روزی می خواهد خداوند در جواب این بنده می گوید: «بنده من مگر نه این است که من راه حرکت و جنبش را برای تو باز کرده ام؟ مگر نه این است که من راه حرکت و جنبش را برای تو باز کرده ام؟ اعضا و جوارح صحیح به تو داده ام؟ در خلقت همه اینها هدف و مقصودی در کار بوده شکر این نعمتها به این است که تو اینها را بکار واداری، بنابراین من بین تو و خودم حجت را تمام کرده ام که در راه طلب گام برداری و دستور مرا راجع به سعی و تلاش اطاعت کنی، و با روش دیگران نباشی، و البته اگر با مشیت کلی من سازگار بود به تو روزی وافر خواهم داد و اگر به علل و مصالحی زندگی تو توسعه پیدا نکرد، البته تو سعی خود را کرده، و وظیفه خویش را انجام داده ای، و معذور خواهی بود. ه \_

کسی که خداوند به او مال و ثروت فراوان داده و با بذل و بخششهای زیاد آنها را از بین برده، و بعد دست به دعا برداشته که خدایا به من روزی بده خداوند در جواب او می گوید: مگر من به تو روزی فراوان ندادم؟ چرا میانه روی نکردی؟ و کسی که درباره قطع رحم دعا کند. خداوند در قرآن مخصوصاً به پیامبر خویش طرز و روش بخشش را آموخت زیرا داستانی واقع شد که مبلغی طلا پیش پیامبر بود، و او می خواست آن ها را به مصرف فقراء برساند، و میل نداشت حتی یک شب آن پول در خانه اش بماند، لهذا در یک روز طلاها را به این و آن داد، بامداد سائل دیگری پیدا شد و با اصرار از پیامبر کمک خواست، و پیامبر هم چیزی در دست نداشت که به سائل بدهد، از این رو خیلی ناراحت شد، اینجا بود که آیه قرآن نازل شد، و دستور کار را داد، آیه آمد که: «ولا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا» [۴] نه دست های خود را به گردن خود ببندد و نه تمام گشاده داشته باش که بعد تهی دست بمانی، و مورد ملامت فقرا واقع شوی. اینها احادیثی است که از پیامبر اکرم (ص) رسیده آیات قرآن هم مضمون این احادیث را تایید می کند، و البته کسانی که اهل قرآن و مومن به قرآن هستند به مضمون آیات قرآن ایمان دارند. به ابوبکر هنگام مرگ گفته شد، راجع به مالت وصیتی بکن، گفت یک پنجم مال من انفاق شود، و باقی

متعلق به ورثه باشد، و یک پنجم کم نیست. به یک پنجم مال خویش وصیت کرد، و حال آنکه مریض حق دارد در مرض موت تا یک سوم هم وصیت کند، و اگر می دانست بهتر این است از تمام حق خود استفاده کند، به یک سوم وصیت می کرد. سلمان و ابوذر را که شما به فضل و تقوی و زهد می شناسید سیره و روش آنها هم همین طور بود که گفتیم. سلمان وقتی که نصیب سالانه خویش را از بیت المال می گرفت به اندازه یک سال مخارج خود را ذخیره می کرد به او گفتند: «تو با این همه زهد و تقوی در فکر ذخیره سال هستی؟ شاید همین امروز یا فردا بمیری؟ او در جواب گفت «شاید هم نمردم» ای نادانها شما از این نکته غافلید که نفس انسان اگر به مقدار کافی وسیله زندگی نداشته باشد، در اطاعت حق کندی و کوتاهی می کند؛ و همین که به قدر کافی وسیله فراهم شد آرامی می گیرد» اما ابوذر، وی چند شتر و چند گوسفند داشت که از شیر آنها استفاده می کرد و احیاناً اگر میلی در خود به خوردن گوشت می دید، و یا مهمانی برایش میرسید، و یا دیگران را محتاج می دید، از گوشت آنها استفاده می کرد، و اگر می خواست به دیگران بدهد، برای خودش هم برابر دیگران سهمی منظور می کرد. چه کسی از اینها زاهدتر بود؟ پیامبر درباره اینها چیزها گفت که همه می دانید، هیچگاه این اشخاص تمام دارائی خود را به نام زهد و تقوی از دست ندادند و از

این راهی که شما امروز پیشنهاد می کنید که مردم از هرچه دارند، صرف نظر کنند و خود و عائله خود را در سختی بگذارند، نرفتند. من به شما این حدیث را از پدرم و او از پدر و اجدادش از رسول خدا نقل کرده اند اخطار می کنم، رسول خدا فرمود: «ما عجبت من شیء کعجیبی من المومن انه ان قرض جسده فی دار الدنیا بالمقاریض کان خیراً له و ان مک ما بین مشارق الارض و مغاربها کان خیراله... عجیب ترین چیزها حالی است که مومن پیدا می کند، اگر بدنش با مقرض قطعه قطعه شود برایش خیر و سعادت خواهد بود، و اگر هم ملک شرق و غرب به او داده شود باز برایش خیر و سعادت است. امام خطاب به آنان فرمود نمی دانم همین مقدار که امروز برای شما گفتم کافی است یا بر آن بیفزایم. هیچ می دانید که در صدر اسلام آن وقت که عده مسلمانان کم بود قانون جهاد این بود که یک نفر مسلمان در برابر ده نفر کافر ایستادگی کند، و اگر ایستادگی نمی کرد گناه محسوب می شد، ولی بعد که امکانات بیشتری پیدا شد، خداوند به لطف و رحمت خود تخفیف بزرگی داد، و این قانون را به این نحو تغییر داد، که هر فرد مسلمان موظف است که فقط در برابر دو کافر ایستادگی کند نه بیشتر. از شما مطلبی راجع به قانون قضا و ما حکم قضائی اسلامی سؤال می کنم. فرض کنید یکی از شما در محکمه هست و موضوع نفقه زن او در بین است و قاضی حکم می کند

که نفقه زنت را باید بدهی، در اینجا چه می کنید؟ آیا عذر می آورد که بنده زاهد هستم و از متاع دنیا اعراض کرده ام؟ آیا این عذر موجه است؟ آیا به عقیده شما حکم به اینکه باید خرج زنت را بدهی مطابق حق و عدالت است یا آن که ظلم و جور است؟ اگر بگوئید این حکم ظلم و ناحق است یک دروغ واضح گفته اید، و به همه اهل اسلام با این تهمت ناروا جور و ستم کرده اید، و اگر بگوئید حکم قاضی صحیح است، پس عذر شما باطل است و قبول دارید که طریقه و روش شما باطل است. مطلب دیگر. مواردی هست که مسلمان در آن موارد یک سلسله انفاقهائی واجب یا غیر واجب انجام می دهد، مثلاً زکوه یا کفاره می دهد، حالا اگر فرض کنیم معنای زهد اعراض از زندگی و مایحتاجهای زندگی است، و فرض کنیم همه مردم مطابق دلخواه شما «زاهد» شدند، و از زندگی و مایحتاج آن روگردانند، پس تکلیف کفارات و صدقات واجب چه می شود؟ تکلیف زکاتهای واجب چه می شود؟ مگر نه این است که این صدقات فرض شده که تهی دستان زندگی بهتری پیدا کنند، این خود می رساند که هدف دین و مقصود از این مقررات رسیدن به مواهب زندگی و بهره مند شدن از آن است، و اگر مقصود و هدف دین فقیر بودن بود، و حد اعلائی تربیت دینی این بود که بشر از متاع این جهان اعراض کند و در فقر و مسکنت و بیچارگی زندگی کند، پس فقرا به آن هدف عالی رسیده اند و

نمی بایست به آنها چیزی داد که آنها از حال سعادت‌مندان خود خارج شوند و نه همه آنها چون غرق در سعادت می باشند باید پذیرند. اساساً اگر حقیقت این است که شما می گوئید شایسته نیست که کسی مالی را در کف نگهدارد، باید هر چه بدستش میرسد همه را بیخشد و دیگر محلی برای زکوه باقی نمی ماند. پس معلوم می شود که شما طریقه بسیار زشت و خطرناکی را پیش گرفته اید، و به سوی مسلک بدی مردم را دعوت می کنید، راهی که میروید و مردم را هم به آن می خوانید، ناشی از جهالت به قرآن و اطلاع نداشتن از قرآن و از سنت و احادیث پیامبر است، اینها احادیثی نیست که قابل تشکیک باشد، احادیثی است که قرآن به صحت آنها گواهی می دهد، ولی شما احادیث معتبر پیامبر را اگر با روش شما درست در نمی آید، رد می کنید، و این هم نادانی دیگر است. جواب مرا راجع به قصه سلیمان بن داود بدهید که از خداوند ملکی را مسالت کرد که برای کسی بالاتر از آن میسر نباشد [۵] و خداوند هم چنان ملکی به او داد، البته سلیمان جز حق نمی خواست، نه خداوند در قرآن و نه هیچ فرد مومنی این را بر سلیمان عیب نگرفت که چرا چنین ملکی را در دنیا خواسته، و همچنین است داستان داود پیغمبر که قبل از سلیمان بود. و همچنین است داستان یوسف و... امام در پایان این گروه صوفی را مخاطب ساخت و فرمود: «فتادبوا ایها النفر بأداب الله عزوجل للمومنین و اقتصروا علی امرالله و



نهیہ و دعوا عنکم ما اشتبه علیکم ممالا علم لکم به وردوا العلم الی اهلہ توجروا و تعذروا عندالله تبارک و تعالی و کونوا فی طلب علم ناسخ القرآن من منسوخه و محکمه... [۶]. از این راه ناصواب دست بردارید، و خود را به آداب واقعی اسلام، تربیت کنید، از آنچه خدا امر و نهی کرده تجاوز نکنید، و از پیش خود دستور نتراشید، در مسائلی که نمی دانید مداخله نکنید، علم آن مسائل را از اهلش بخواهید، درصدد باشید که ناسخ را از منسوخ و محکم را از متشابه و حلال را از حرام باز شناسید، این برای شما بهتر و آسانتر و از نادانی دورتر است جهالت را رها کنید که طرفدار جهالت زیاد است، به خلاف دانش که طرفداران کمی دارد خداوند فرمودند بالاتر از هر صاحب دانشی دانشمندی است.

## پاورقی

[۱] سوره حشر آیه ی ۹۱.

[۲] سوره دهر آیه ی ۸.

[۳] سوره فرقان آیه ی ۶۷.

[۴] سوره اسراء آیه ی ۲۹.

[۵] وهب لی ملکا لاینبغی لاحد عن بعدی. سوره ص آیه ی ۳۵.

[۶] مرحوم کلینی، فروع کافی ج ۵ / ۶۵ - ۷۱ کتاب المعیشه \_ تحف العقول و مرحوم استاد شهید مطهری این جریان را به صورت داستان، در کتاب داستان راستان ج اول داستان ۱۵ آورده است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

